



۲۰۱۷/۰۱/۱۷



عارف عباسی

مارتن لوتر کینگ و مبارزاتش!

امریکا امروز با رخصتی عمومی از قهرمانی بزرگداشت می نماید که زندگی خود را وقف مبارزه ای نمود که تحقق آرمان های آن نه تنها کار ساده نبود بلکه با موجودیت موانع بس بزرگ که ریخت اجتماع را ساخته بود ناممکن به نظر می آمد.

داکتر مارتین لوتر کینگ (Dr. Martin Luther King Jr.) بنیاد عقاید دینی خود به حیث یک مبلغ مسیحی راه مبارزه بی اطاعتی مسالمت آمیز را در برابر عدم تساوی در خلقت آدمیت علیه یک نظامی پیشه نمود که انسان سیاه پوست را به حیث غلام جزء ملکیت خود محسوب و برای آن اسناد قانونی داشتند و هرگز چنین مفکوره ایرا در دماغ راه نمی دادند که سیاه انسان است و حقی دارد.

علی الرغم لغو تعامل برده داری بعد از جنگ داخلی امریکا و رهایی شانه های آفتاب سوخته غلامان از زیر تازیانه مالکین و زمین داران و چشم پوشی علنی از کم ترین حق زیست انسانی و روا داشتن انواع تظلم و تعدی علیه غلامان سیاه و تجاوزات به شرف و ناموس شان، شرائط زندگی برای سیاه پوستان امریکا تا آغاز مبارزات مارتین لوتر کینگ تغییر نکرده و محروم هرگونه حقوق شناخته شده مدنی بودند و انواع تبعیضات در برابر شان به حیث عرف قبول شده اجتماع متداول بود. سیاه پوست حق نداشت از عین بس شهری که سفید پوست استفاده می کرد استفاده نماید و اگر بنا بر محدودیت تعداد بس سیاه پوست از بس شهری سفید پوست استفاده می کرد به مجرد بالا شدن یک نفر سفید پوست باید سیاه پوست چوکی خود را برای نژاد برگزیده رها می کرد ولو که سیاه پوست زن حامله دار و سفید پوست پسر جوان تنومند می بود.

اولاد سیاه مکاتب جداگانه داشته حق شمول در مکاتب سفید پوستان را نداشتند. در رستوران سفید پوست، سیاه پوست حق دخول نداشت و در دم درب نوشته بود «نه سیاه و نه سگ». چنین تبعیضات در کلیه شئون و شقوق زندگی اجتماعی و حتی عبادتگاه ها وجود داشت که شرح و بسط هر یک در این بحث مختصر نمی گنجد.

داکتر مارتین لوتر کینگ رنج این جنایات ضد آدمیت را در آوان طفولیت با گوشت و پوست و استخوانش درک کرده بود فشار این غصه ها افسردگی روانی برایش آفرید در طفولیت با جدا شدن از بهترین رفیق سفیدش در اثر مکاتب تبعیضی و در عنفوان صباوت تحمل روش های غیر عادلانه او را تارک مکتب و شکاک دین و انجیل ساخت.

داکتر مارتین لوتر کینگ با حلقه کوچک هم اندیشان خود برای محو این همه بی عدالتی ها و نقض ظالمانه حقوق انسان برای تأمین عدالت اجتماعی و احقاق حقوق حقه سیاه پوستان امریکا با افکار عالی خود و اطمینان کامل به حقانیت داعیه انسانی اش در ستیز سپید بدون خون برآمد، در این راه افتید، غلتید افگار شد، تهدید شد، زندانی شد،

لت و کوب شد و مجروح شد ولی باز به پا خاست، نه هراسید و دلیرانه با همه موانع با اراده استوار و تزلزل ناپذیرش جنگید. مبارزات او و یارانش از سال ۱۹۶۲ آغاز و تا زمان قتلش در سال ۱۹۶۸ دوام نمود.

قوای امنیتی تحت اداره تبعیض طلبان و تفوق جویان سفید انواع خشونت را در برابر مبارزه مارتین لوتر کینگ و پیروانش اتخاذ نمودند و از هیچ نوع ظلم و تعدی برای درهم شکستن آن دریغ نکردند. هر ناکامی بر قدرت اراده اش افزود ۲۹ بار زندانی شد و بارها مجروح گردید ولی هرگز از مبارزه دست برنداشت و مشعل آزادی خواهی را از شهری به شهری برد و نه تنها امریکا بلکه دنیا از مبارزات او آگاهی یافته همنوایی و هم اندیشی میان اقشار پیش تاز اروپا پدیدار گشت.

مارتین لوتر کینگ رمز موفقیت را در دو اصل یافت، اول تشکل و جلب حمایت همگانی بر داعیه برحقش دوم مبارزه عدم خشونت و غیر مسلحانه و هر دو اصل وی را در پیروزی اش در رسیدن به مرام های سترگش یاری رساند. طول و تفصیل مبارزات پی گیر مارتین لوتر کینگ ایجاب نوشته کتابی را می نماید و بسی کتب در شرح حال و مبارزاتش نوشته شده.

او جائزه نوبل را برای مبارزه صلح آمیز در تأمین حقوق مدنی و عدالت اجتماعی در اکتوبر سال ۱۹۶۴ بدست آورد و نشان آزادی ریاست جمهوری و نشان طلای کانگرس امریکا را گرفت و در هر ایالت سرک ها و پارک ها به نام مارتین لوتر کینگ نامگذاری شد، و میناری در فروشگاه بزرگ واشنگتن دی سی به افتخار مارتین لوتر کینگ اعمار گردید.

حماسه ماندگار داکتر کینگ راه پیمایی (مارش) یک میلیون نفر در سال ۱۹۶۳ در واشنگتن دی سی و بیانیه مشهورش « من رؤیایی دارم»

I have a dream است که باعث بسی تغییرات بنیادی در بخش حق مدنی سیاهان گردید.

یقین کامل دارم که با این نوشته بر معلومات هموطنان آگاه به تاریخ امریکا و مبارزات حقوق مدنی افزوده نمی توانم ولی منظور اصلی من حال و ظنم است که در این احوال متزلزل و بحرانی و آینده مغشوش و تاریک برای دو سال باقی مانده امکانات تبارز یک نهضت پاک، خود جوش، ملی و وسیع البنیاد توسط قشر آگاه، پیش تاز، روشن فکر و روشن ضمیر و ملی گرا وجود دارد؟ که با یک رهبری سالم و مشترک از بهترین و با اعتبار ترین شخصیت های هر قوم به پیروی از اصول گاندهی و مارتین لوتر کینگ وطن را از اسارت مشیت محدود قدرت طلب مزدور بیگانه رهانیده زمینه حاکمیت ملی و یک زعامت ملی و پاکیزه را فراهم سازند.

سؤال در این جاست که آیا چنین قشری در افغانستان است و امکانات تشکل و سازمان دهی شان با قبول یک رهبری مشترک فارغ از تفرقه های قومی، زبانی، منطقوی و مذهبی وجود دارد؟ و یا باز هم ما مردمی استیم تقسیم به شاخه ها، گم کرده راه، پراکنده، به خواب رفته و بی مسؤولیت منتظر بیگانگان که بیابند و سرشته خانه ما گیرند.